

## ارتباط معنویت و سیاست در گزاره‌های اسلامی

سمیه مهرفر<sup>۱</sup>، محمدمهدی کریمی نیا<sup>۲</sup>، مجتبی انصاری مقدم<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> سطح دو (کارشناسی)، پژوهشگر مدرسه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، بندر ماهشهر

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

### چکیده

اندیشمندان و علمای اسلام به پیوستگی بین معنویت و سیاست و دین معتقدند چون سیاست به عنوان وسیله ای برای تحقق بخشیدن به اهداف متعالی دین، و ارتباط خدشه ناپذیری با آن دارد. این مقاله در پاسخ به این مسئله مهم است که پیوستگی میان معنویت و سیاست چگونه محقق می شود؟ در این پژوهش ابتدا به تعریف دین و معنویت و سیاست می پردازیم که ابتدا درک درستی از آن ها بدست آید و سپس به ارتباط بین آن ها می پردازیم. و می کوشیم که دین با هدف تکامل معنوی انسان که یک حرکت جوهری آگاهانه است به دنبال این است که انسان را تا عالی ترین کمالات وجودی رشد دهد. که این کار جز در بستر امور سیاسی ممکن نیست. دین و معنویت به عنوان مجموعه برنامه های الهی، سیاست را در رساندن انسان به کمال معنوی هدایت می کند. و باعث رشد و ترقی انسان در تمام ابعاد می شود. در این نوشتار سعی بر آن شده که از روش کتابخانه ای و از شیوه توصیفی \_ تحلیلی به مطالب پرداخته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** تکامل معنوی، پیوستگی، دین، سیاست، معنویت.

## مقدمه

یکی از مهم ترین علل اختلاف در دیدگاه های حکومتی و سیاسی میان مسلمانان برگرفته از این اندیشه است که آیا سیاست امری جدا ناپذیر از دین است؟ ارتباط بین دین و معنویت و سیاست چیست؟ آیا معنویت از سیاست جداست؟ شواهد زیادی در طول تاریخ نشان می دهد که مسائل دینی با امور سیاسی در هم آمیخته شده اند. در متون و حوادث تاریخ اسلامی و خصوصاً شیعی نیز همواره حضور امور دینی و معنوی در صحنه سیاست و حکومت پر رنگ بوده است اما در سده های اخیر در مغرب زمین نوعی عقیده به تدریج رشد و استیلا پیدا کرد که نه تنها روحانیون بلکه مسائل معنوی و دینی باید از صحنه ی سیاست خارج شوند. اما امام خمینی (رحمه الله علیه) به مثابه رهبر دینی تاکید دارند که اسلام تماش سیاست است.

اهمیت و ضرورت این مسئله در این است که برخی افراد گمان می کنند که بین دین و سیاست ارتباطی وجود ندارد ولی بین معنویت و سیاست ارتباطی گسست ناپذیر باهم دارند. و هنگامی که در یک حکومت سیاست و معنویت باهم مرتبط باشند موجب شکوفایی جامعه، سوق دادن مردم به سوی حیات طیبیه، رعایت تقوا و عدالت می شود که مردم در جامعه ایی که سیاست و دین با یکدیگر در ارتباط اند می توانند زندگی راحت تر و در سایه اخلاق و عدالت اسلامی زندگی کنند. دین و معنویت به عنوان مجموعه برنامه های الهی، سیاست را در رساندن انسان به کمال معنوی هدایت می کند. و باعث رشد و ترقی انسان در تمام ابعاد می شود.

اسلام قائل به پیوند معنویت و سیاست است و هیچ زمان دین و معنویت را از امور سیاسی تفکیک نمی کند آمیختگی بین معنویت و سیاست یکی از شاخصه های مکتب اسلام است که در این مقاله به آن می پردازیم. اولین حکومت تلفیق دین و سیاست حکومت پیامبر بود؛ علما و اندیشمندان بسیاری در این زمینه کتاب و مقالاتی نوشته اند آقای عباسعلی عمید زنجانی کتابی با عنوان (مبانی اندیشه سیاسی اسلام) در سال ۱۳۱۶ نوشته است و آقای علی آقا بخشی در کتابی با عنوان (فرهنگ علوم سیاسی) در سال ۱۳۷۹ و همچنین مقاله (اندیشه رهبران انقلاب اسلامی) از آقای لطیفی در این زمینه به رشته تحریر در آورده است. کتب و مقالات بسیاری هم در این زمینه نوشته شده است که برخی از آن ها را ذکر کردیم.

هدف از انجام این مقاله رد ادعای کسانی که مدعی جدایی دین از سیاست هستند و همچنین تبیین و اثبات رابطه ی محکم و منسجم بین سیاست و دین را بیان می کنیم.

حال سوالی که مطرح می شود که اصلی ترین سوال است، ارتباط معنویت و سیاست در اسلام چگونه ؟ در اینجا به سوالاتی مانند ارتباط دین و معنویت با سیاست چگونه است ؟ نحوه ارتباط دین و سیاست در نهج البلاغه چگونه است؟ نظر بزرگان و علما درباره ارتباط دین و سیاست چیست؟ ویژگی های سیاست اسلامی کدام اند؟ آیا پیوستگی بین دین و سیاست ارمغان انقلاب اسلامی است؟ در این مقاله سعی در تبیین و پاسخ به این سوالات را داریم.

## ۱. مفهوم شناسی واژگان

## ۱-۱. سیاست

«سیاست» در لغت از ماده «ساس» و «سیوس» و به معنای رعیت داری و اصلاح امور مردم و نگاه داشتن حد هر چیز است (ابن منظور، بی تا: ۱۸). سیاست را در لغت فن اداره کشور، داوری، تنبیه، حکومت کردن و رابطه فرمان روا با فرمانبر و مانند آن معرفی کرده اند (دهخدا، ۱۳۳۰: ۵۸۲/۱۶).

برخی در تعریف سیاست در اصطلاح چنین اظهار نظر کرده اند «سیاست عبارت است از خودآگاهی انسان نسبت به محیط و جامعه و سرنوشت مشترک و زندگی مشترک خود و جامعه ای که در آن زندگی می کند و به آن وابسته است» (شریعتی، بی تا: ۱۱؛ ولایی، ۱۳۷۷: ۹). در جای دیگر گفته اند: «سیاست به معنی مدیریت کلان دولت و راهبرد امور عمومی در جهت مصلحت جمعی است» (عمید زنجانی، ۱۳۷۵: ۷۶). افلاطون می گوید: «سیاست یکی از اقسام حکمت علمی است و آن علم به مصالح جماعتی است که در کشوری اجتماع کرده اند و بر مبنای تعاون و بقای نوع و رفاه زندگی افراد دو قسم است یکی متعلق به ملک و سلطنت که به علم سیاست است و دیگر متعلق به شرایع آسمانی و احکام الهی و دستوره های اولیاء است که علم نوامیس قاعده می شود» (رجالی تهرانی، ۱۳۸۹: ۳۶). سیاست دینی تدابیری که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می کند این تدابیر دو قسم می شود سیاست داخلی و سیاست خارجی، مناسبات بین طبقات و بین ملت ها در داخل مملکت جزو سیاست داخلی و روابط بین دولت ها و خلق ها در عرصه جهانی جزئی از سیاست خارجی محسوب می شود (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۲۰۲).

## ۲-۱. مفهوم معنویت

«معنویت» در لغت به معنای «معنوی بودن» است (دهخدا، ۱۳۳۰: ۸۹۴/۳۱). اما «معنویت» در اصطلاح از آموزه هایی است که در هندسه معرفت دینی و نظام تعالی وجودی انسان نقش محوری دارد معنویت به معنای اصالت عالم معنا یا عالم غیب، در عین اهمیت جهان ماده و عالم حس و شهادت است بنابراین غیب جهان و جهان غیب مفهوم مقوم معنویت خواهد بود (رودگر، ۱۳۹۲: ۶۱). معنویت در مقابل مادیت به معنای معنوی، منسوب به معنا در مقابل لفظی، صوریریال ظاهری و مادی به معنای روحانی و توجه به نیازهای روحی و باطنی مطلق آمده است و مراد از آن چیزی است که فقط به وسیله قلب شناخته می شود (دهخدا، ۱۳۳۰: ۸۹۵/۳۱).

## ۳-۱. دین

«دین» در لغت به معنای «فرمانبرداری»، «خضوع»، «پیروی»، «اطاعت» است. اما در اصطلاح مجموعه عقاید و قوانین و مقرراتی است که خداوند از طریق پیامبران برای سعادت انسان ها فرستاده است (سبحانی، رضایی، ۱۳۹۱: ۹۱).

## ۲. نحوه ارتباط سیاست با معنویت و دین

در اینجا سعی شده که ارتباط «دین و سیاست» و همچنین «دین و معنویت» به طور جداگانه بررسی شود.

### ۲-۱. ارتباط سیاست با معنویت

هنگامی که از مقام معنوی سخن گفته می شود، منظور آن است که از دنیا پرستی و مادی گرایی روی بر تافته و سیری باطنی را با طی درجات سلوک به سوی خداوند آغاز کند، امیرالمومنین (علیه السلام) در وصف چنین کسانی می فرماید: «اولیای خدا آنان هستند که به باطن می نگرند آن گاه که مردم به ظاهر آن می نگرند و به فردای آن می پردازند آن گاه که مردم به امروز آن سرگرم اند. آنچه را که ترسیده اند آنان را بمیراند، میرانده اند و آنچه را که دانسته اند به زودی ترکشان خواهد کرد ترک گفته اند» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۲) معنویت دارای دو رکن اساسی است: اخلاق و عرفان (مظفری، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

## ۱-۲. اخلاق

اخلاق جمع خُلق است و به معنای شکل باطنی و نفسانی انسان که باعث می شود به آسانی و بدون تفکر کارهایی را انجام دهد (جباران، ۱۳۹۱: ۱۳). امام خمینی (رحمه الله علیه) هم در اشاره به دو بُعد صورت و سیرت انسان می نویسد: «بدان که انسان اعجوبه ای است دارای دو نشئه و دو عالم: نشئه ظاهره ملکیه دنیوی بدن اوست. و نشئه باطنه غیبیه ملکوتیه از عالم دیگر است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲: ۷۲).

ملا احمد نراقی در معراج السعاده می نویسد: «فایده علم اخلاق پاک ساختن نفس است از صفات رذیله و آراست آن به ملکات جمیله که از آن به تهذیب اخلاق تعبیر می شود و ثمره اخلاق، رسیدن به خیر و سعادت ابدی است» (نراقی، بی تا: ۱۹).

## ۲-۱-۲. عرفان

عرفان یعنی شناسایی و مراد شناسایی حق است که به دو طریق ممکن است؛ یکی از طریق استدلال از اثر به مؤثر و دوم از طریق تصفیه باطن و تخلیه سر از غیر و تخلیه روح. معرفتی که از این طریق بدست می آید کشفی و شهودی است. عرفا عقیده دارند که برای رسیدن به حق و حقیقت می بایست مراحل را طی کرد تا نفس بتواند از حق و حقیقت بر طبق استعداد خود آگاهی حاصل کند (سجادی، ۱۳۷۳: ۱۲۵۳). عرفا و حکما متأله در سلوک الی الله سفرهای چهارگانه که به اسفار اربعه شهرت دارد به شرح زیر می دانند:

اول: سیر الخلق الی حق: که سالک از خلق به سوی حق سفر می کند و حق را می شناسد.

دوم: سیر فی الحق بالحق: که سفر و سیر در اسمای حسنی و اوصاف حق است.

سوم: سیر من الحق الی الخلق بالحق: که از خدا به سوی خلق حرکت می کند.

چهارم: سیر فی الخلق بالحق: که در کثرت با دید وحدت سفر می کند (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۷۳-۷۴).

با توجه به تعاریف یادشده وقتی از پیوند سیاست و معنویت سخن گفته می شود منظور آمیختگی قدرت با اخلاق و عرفان است بر این اساس دو حوزه عرفی و قدسی، دنیا و آخرت پیوندی ناگسستنی دارند که تفکیک دین از سیاست و تفکیک دولت از معنویت در این جا جایگاهی ندارد (مظفری، ۱۳۸۵: ۱۲۶).

## ۲-۲. ارتباط سیاست با دین

سیاست و دین تحت تأثیر عوامل گوناگون، دو مفهوم متضاد را در عین حال پایدار در ذهن بشر شکل می دهند. تصویر عرفی و شاید قالب از سیاست، تصویری است نامطلوب، آمیخته با ظلم، و انواع بد اخلاقی ها و در کنار آن تصویر کم فروغ و در عین حال علمی از سیاست هم وجود دارد. بر این اساس، سیاست با مدیریت جامعه، با بقای جامعه و نوع انسان و حتی با هدایت، سعادت و کمال انسان پیوند دارد. هرچند در اصل مثبت بودن سیاست و ضرورت آن اتفاق نظر وجود دارد ولی در محتوای آن چنین یک دستی مشاهده نمی شود برای بیان تنوع دیدگاه های این طیف در یک سوی محور سیاست سکولاری خنثی قرار دارد و در سوی دیگر سیاست متعهد، اخلاقی و الهی وجود دارد (همان).

به هر میزان که حضور اخلاق و معنویت در سیاست پررنگ تر باشد، سیاست مزبور بیشتر صبغه الهی می گیرد و به سیاست الهی محض، نزدیک تر می شود. به هر میزان که حضور اخلاق و معنویت در سیاست کم رنگ تر باشد سیاست مزبور به سکولار

نزدیک تر می شود. اساساً سیاست مورد تایید اسلام، یک مفهوم نازل و پیش پا افتاده نیست بلکه مفهومی متعالی است که از ارتباط تنانگ و ناگسستنی با عبودیت الهی، سعادت و کمال انسانی حکایت دارد. براین اساس در متون دینی سیاستمداری از صفات و ویژگی های برجسته اولیای خاص الهی و ائمه اطهار (علیهم السلام) معرفی شده است. امام هادی (علیه السلام) «سیاستمداری ائمه» را در کنار اوصاف بلند معصومان قرار داده است. از نظر اسلام تنها کسانی شأنیت سیاستمداری و زعامت جامعه اسلامی را دارند که مراحل بالایی از تهذیب و خودسازی را سپری کرده باشند (همان).

دینی که مدعیان آن خواهان جدایی دین از سیاست هستند عبارت است از برخی باورهای درونی در رابطه با عالم غیب که همراه با انجام دادن یک سری عبادات و اذکار که موجب می گردد انسان به خدا نزدیک تر شود. علامه شلتوت درباره تعریف دین و مفهوم آن می نویسد: «دین یک سلسله اصول کلی به منظور تنظیم وضع عمومی بشر در این زندگی کنونی است تا در پرتو سعادت دنیا به خوشبختی به جهان دگر نایل آید. دین بشر را به نیکی و زیبایی رهنمون می کند و هر چه آسایش است به او ارمغان می دهد. هنگامی که به مقررات اسلام درباره عبادات، معاملات، شئون اقتصادی، قانون و سیاست و ... می نگریم می یابیم که آن دینی استوار بوده و هیچ فردی را گریزی نیست که به آیینش مشرف گردد» (رجالی تهرانی، ۱۳۸۹: ۳۵).

در تقسیم مسائل دینی مهم ترین تقسیم تفکیک سه حوزه است:

۱- اعتقادات: که به عنوان جهان بینی و به معنای هستی ها و نیستی هاست.

۲- احکام: که به عنوان ایدئولوژی و به معنای فایده ها و نبایدهاست.

۳- اخلاق: که به عنوان شایسته ها و ناشایسته ها و یا هنجارها و ناهنجارهاست (سعیدی شاهرودی، ۱۳۹۷: ۲۰۲).

علامه طباطبایی می نویسد: «دین سه حوزه باوره، اخلاق و عمل انسان را در بر می گیرد که یا رهبری پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) به عنوان یک نظام جامع عهده دار اداره بشر گردید» (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۳۰/۲).

همچنین در قرآن کریم کلمه «دین» به پنج معنی بکار رفته است:

۱. توحید و پرستش «فاعبد الله مخلصاً له الدين» (زمر/۲).

۲. روز جزا و قیامت «الذين يكذبون بيوم الدين» (مطففين/۱۱).

۳. حکم و دستور «ما كان لياخذ اخاه في دين الملك» (يوسف/۷۶) در دستور حاکم چنین اجازه ای داده نشده که برادر را جای برادر بگیرند.

۴. راه و روش «ذلك دين القيمه» (بینه/۵) راه راست همین است.

۵. دین «هو الذي ارسل رسوله بالهدى و دين الحق» (توبه/۳۳) اوست خدایی که رسول خود را با دین حق برای خلق فرستاد. علامه طباطبایی می گوید: «دین آموزش ها و دستور العمل های علمی و اخلاقی است که پیامبران آورده اند و در اصطلاح قرآن، همان روش زندگی است که انسان گریزی از آن ندارد و از ناحیه خدای متعال می باشد» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۸-۱۰).

می گویند که غرب از دین فاصله گرفته و به این خاطر در علوم و فنون و سیاست درخشان پس بهتر نیست که ما به جدایی میان دین و سیاست روی بیاوریم:

در شرق و غرب که جدایی میان دین و سیاست مطرح است منظور از دین، همان دین حاکم بر کلیسا یا مراکز دین یهود است که ما آن ها را دین منسوخ می دانیم و در مدیریت کاروان بشریت نمی توانند نقش آفرینی کنند. ولی متأسفانه طرفداران این نظریه کورکورانه یا مغرضانه درباره دین متعالی و مترقی اسلام نیز همان حرفی را بر زبان می آوردند که در مورد دین مسیح و دین یهود می گویند. آیا دین اسلام و آیین جامع و کامل آن با دین یهود یکسان است. طرح مسئله جدا بودن سیاست از روحانیت چیز تازه ای نیست این مسئله در زمان بنی امیه طرح شد و در زمان بنی عباس قوت گرفت و در همین زمان های اخیر هم به این مسئله دامن زدند به طوری که بعضی اشخاص متدین و روحانیون متعهد هم باورشان شده بود که یک روحانی نباید در سیاست وارد شود. این یک نقشه بزرگ استعمار است (شفیعی مازندرانی، ۱۳۹۵: ۴۰).

### ۳. دین و سیاست در نهج البلاغه

کسانی که از مکتب اسلام و عقاید و احکام و تکالیف آن به اندازه لازم اطلاع دارند، می دانند که این دین، تنظیم و هماهنگی همه امور و فنون بشر را از دیدگاه اخلاق فرهنگی، سیاسی، عبادی و... به عهده گرفته است... آیات قرآنی و سخنان امیرالمومنین (علیه السلام) چنان که در سراسر نهج البلاغه مشاهده می گردد با کمال صراحت و با تأکید جدی، رسالت انبیاء و دیگر پیشوایان الهی را در هر دو عالم دنیوی و اخروی بشر مطرح نموده است (فاضلی، ۱۳۷۸: ۳۲). مولای متقیان چنین بیان می دارد: «خداوند پیامبر را به حق برانگیخت تا بندگان خود را از پرستش دروغین بت ها رهایی بخشد و به پرستش خود راهنمایی کند و آنان را از پیروی شیطان نجات دهد به اطاعت خود کشاند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷).

امام علی (علیه السلام) به حکومت و عدالت حساسیت خاصی دارد و ارزش فراوانی برای آن ها قائل است (پارسایی، نوملی، کاردل، ۱۳۹۵: ۸۸). قطعاً برای کسانی که با اسلام آشنایی ندارند و با تعلیمات سایر ادیان جهانی آشنا نمی باشند باعث تعجب است که چرا یک پیشوای دینی آن قدر به این مسائل می پردازد؟ مگر این ها مربوط به دنیا و زندگی دنیوی نیست؟ و بر عکس کسی که با تعلیمات اسلامی آشنا است و امام علی (علیه السلام) را می شناسد تعجب نمی کند. بلکه اگر جز این بود تعجب می کرد (مطهری، ۱۳۶۱: ۷۴).

در جای دیگر حضرت امیر (علیه السلام) در جریان بیعت مردم با او برای خلافت پس از مرگ عثمان سوگند یاد کرد که پذیرش حکومت را در راستای تعهدی الهی می داند که علما و دانشمندان هر جامعه در برابر شکم خوارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان بر عهده دارند تا از آن طریق حق مظلومان را بستانند «اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم خوارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند. مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می کردم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می کردم آن گاه می دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله ای بی ارزش تر است» (پارسایی، نوملی، کاردل، ۱۳۹۵: ۸۶).

### ۳-۱. سیاست الهی در حکومت علوی

سیاست امامان شیعه، سیاست الهی بوده است. سیاستی که با الهام از روح تعالی آسمانی و الهی بر چند نکته کلیدی استوار است (همان، ۸۳). سیاستی که هدفش هدایت، منبع تجاوز ظالمین به حدود فکری جامعه اسلامی و مبتنی بر آرمان های بلند نبوی، وحدت پیروان، عدم سازش با مخالفان، در نظر گرفتن مصالح جامعه اسلامی، ترویج فضیلت ها، تکلیف گرایی و اسلام محوری، حرکت در چار چوب الهی و عدم تخطی و آگاهی از حرکت های مرموز شیطانی بود (نوابی، ۱۳۱۶: ۱۱۴).

امام علی (علیه السلام) نیز مانند هر مرد الهی و رجل ربّانی دیگر، حکومت و زعامت را به عنوان یک پست و مقام دنیوی که اشباع کننده حس جاه طلبی بشر است و به عنوان هدف و ایده آل زندگی، سخت تحقیر می کند و آن را بی ارزش می داند؛ اما همین حکومت و زعامت را در مسیر اصلی و واقعی اش، یعنی به عنوان وسیله ای برای اجرای عدالت و احقاق حق و خدمت به مظلومان فوق العاده، مقدس می داند و مانع دست یافتن حریف و رقیب فرصت طلب و استفاده جو می شود و از شمشیر زدن برای حفظ و نگهداری عدالت از دستبرد چپاول دریغ نمی کند (مطهری، ۱۳۶۱: ۷۶-۷۷).

ایشان برداشتی متفاوت از سیاست ارائه می دهد که از حيله و نیرنگ به شدت دور است ایشان می فرماید: «اما امروز در زمانه ای زندگی می کنیم که بیشتر مردم حيله را زیرکی می دانند و افراد جاهل آنان را اهل تدبیر می خوانند، چگونه فکر می کنند، خدا بکشد آن ها را» (نهج البلاغه، خطبه ۴۱).

ایشان حاکمیت و نظم سیاسی را پیمانی ۳ جانبه دانسته اند که میان خدا، مردمان و فرمانروایان بسته می شود یعنی در همان حال، فرمانروا علاوه بر این که باید پاسخ گوی کارها و رفتار خویشان در برابر مردمان باشد مسئول و ضامن است... رعایت همه موازین اخلاقی و پرهیز از پیمان شکنی، ناراستی، کثی و خدعه از آموزه های برجسته سیاست و حکومت از دیدگاه ایشان است (نوابی، ۱۳۱۶: ۱۱۲).

#### ۴. سیاست دینی از دیدگاه بزرگان

از دیدگاه علم سیاست مدرن، سیاست هیچ غایت متعالی و یا حتی التفاتی به خیر و صلاح ندارد. بلکه صرفاً یک شیوه، هنر و یا تاکتیکی است که ممکن است در هر جهتی از آن استفاده شود و البته برای این منظور استدلال هایی تحت عناوینی چون جدایی دانش از ارزش، دین از سیاست، فیزیک از متافیزیک و ایده آلیسم از رئالیسم آورده شده است که پاسخ هایی در خور دریافت کرده اند (دادخداپار، رهدار، ۱۳۹۲: ۱۰). تاریخ نشان داده است که اصرار بر جداسازی حوزه سیاست از آرمان های جمعی راه به جایی نمی برد. حتی اگر کسانی سیاست را صرفاً عرضه توزیع منافع یا نزاع برای کسب قدرت بدانند. باید گفت این تفسیر از سیاست با دیدگاه دینی جور نمی آید. علامه طباطبایی با این که دیدگاه کاملاً رئالیستی در فلسفه خود دارد اما نتیجه طبیعی استخدام اجتماعی و سیاسی را رسیدن به عدالت همگانی می داند. انسان با هدایت طبیعت و تکوینی پیوسته از همه، سود خود را می خواهد و برای سود همه عدل اجتماعی را می خواهد (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۱۱/۱۹۸).

امام خمینی به عنوان تئورسین و مرد سیاست در بازشناسی سیاست الهی از سیاست شیطانی و حیوانی به خوبی به این وجه هدایت گرا سیاست الهی توجه دارد او می گوید: «سیاست این است که تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و این ها را هدایت کند به آن چیزی که صلاح شان است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۸۸/۱۱) قابل ذکر است که تمام تعاریفی که دانشمندان اسلام مثل فارابی، ابن سینا، غزالی، شهید صدر و حتی اندیشمندان یونان باستان از سیاست کرده اند واجد این وجه متعالی است. ما این توضیح تعریف خود از سیاست را کامل تر می کنیم «دو شیوه تاثیرگذاری بر بستر رفتارهای دیگران در جهت تأمین مصالح عمومی جامعه» که طبعاً در سیاست اسلامی تشخیص مصالح عمومی جامعه براساس منابع دینی خواهد بود (برزگر، بیرانوند، ۱۳۹۴: ۳۴).

## ۵. ویژگی های سیاست اسلامی

هر نظام سیاسی نگاه مستقل و خاصی به انسان، جهان و جامعه دارد و براساس این نگاه مبانی فکری و فلسفی خود را تحلیل و تنظیم می نماید همین مبانی هستند که اهداف و وظایف هر نظام را تعیین می کنند. در نتیجه، نظامات، سیاست ها، خط مشی ها و رسالتی که برای خود بر می گزینند معمولاً با این اهداف تناسب دارد به همین دلیل، با سایر نظام ها در بسیاری از جهات متفاوت هستند. این موضوع درباره اسلام هم صادق است مقام معظم رهبری می فرمایند: «مسئله ی حکومت یک مسئله اساسی و مهم و در اسلام در درجه ی اول است» (عمید زنجانی، ۱۳۷۵: ۸۹).

مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله خامنه ای در سخنان خود همواره به ویژگی های حکومت اسلامی اشاره داشته اند برخی از ویژگی ها را به اختصار بیان می کنیم:

### ۵-۱. حرکت دادن مردم به سمت حیات طیبه

مقام عظمای ولایت می فرمایند: «نظام اسلامی به وعده ی قرآن کریم، مردم را به سمت میان طیبیه حرکت می دهد. آیه قرآن می فرماید: «من عمل صالحاً من ذکر او انشی و هو مومن فلنحیینه حیاه طیبیه» (نحل/۹۷) حیات طیبیه یعنی زندگی گوادا، یک ملت وقتی زندگی گوارا دارد که احساس کند و ببیند که دنیا و آخرت او بر طبق مصلحت پیش می رود و به سمت هدف های او حرکت می کند. زندگی گوارا وقتی است که رفاه مادی با عدالت، معنویت و اخلاق همراه است» (برزگر، بیرانوند، ۱۳۹۴: ۲۸).

### ۵-۲. تقوا و عدالت پایه اصلی مشروعیت حکومت

نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می شود استوار است وقتی امام حسین (علیه السلام) را در نامه ای که جزء ی از دسته های ماندگار تاریخ اسلام است او را به کوفه دعوت کردند این گونه می نویسد: «حاکم در جامعه اسلامی و حکومت در جامعه اسلامی نیست مگر آن که عامل به قسط باشد اگر نباشد و هر کس او را نصب کرد نامشروع است» (سعیدی شاهرودی، ۱۳۹۷: ۹۲).

## ۶. پیوستگی بین دین و حکومت ارمغان انقلاب اسلامی

دو نفر از دانشمندان در اواخر قرون وسطی به نام مارتین لوتر و آراسموس را بنیانگذار سکولاریزم معرفی می کنند. از آن زمان بود که دین به عنوان یک عنصر فردی و شخصی تلقی گردید و از مرحله حاکمیت و زندگی بشر حذف گردید. استعمارگران که همواره از قدرت اسلام نگران بودند و محدودیت علما را با تاکید بر دین اسلام در مبارزه با نفوذ آنان در سرزمین های اسلامی از یاد نبرده نبودند درصدد بر آمدند که همراه فرهنگ غربی و برخی مظاهر صنعتی، سکولاریزم را هم به منطقه غرب آسیا وارد کنند. از سوی دیگر با فاصله طولانی از بعثت و امامت و تفکیک دین از سیاست در طول قرن ها پیوند بین دین و سیاست و شکل گیری حاکمیت دینی بر محور ولی فقیه برای بسیاری از علما دور از انتظار بود اما با وجود همه نابوری ها، چنین حقیقتی اتفاق افتاد و پیوند ناگسستنی دین و حکومت به حرکت انقلاب اسلامی محقق شد (همان، ۲۰۳). مجموع تعریف و دیدگاه پیرامون رابطه دین و سیاست مبین پیوستگی و ملازمه بین دین و سیاست می باشد. این نظریه معتقد است که رابطه دین و سیاست رابطه کل به جزء است و یکی از ارکان دین ساختار حکومت و اداره امور جامعه است (همان، ۲۱۴).



## ۱-۶. دلایل پیوستگی دین با سیاست

۱-۱-۶. جامعیت و فراگیر بودن اسلام

آیات شریفه قرآن، حاکمیت پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) و کلمات پیامبر و ائمه معصومین توجه مکتب به همه ابعاد وجودی انسان و ظرفیت بالا در جهت ساماندهی ایجاد فردی، حکومتی، خانوادگی و اجتماعی است (همان، ۲۱۵).

## ۲-۱-۶. سیره و عملکرد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام)

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) در رأس حکومت قرار داشته اند و الزامات اداره امور مردم را پیش بینی کردند. پیامبر در سیر تحقق رسالت و ماموریت الهی در مکه به فرد سازی پرداخته و سپس با هجرت به مدینه علت و دولت دینی را ساماندهی کرد و پس از آن با حرکت به سمت مکه حکومت سازی و سازمان و تشکیلات حکومتی به وجود آورد (همان، ۲۱۴).

## ۲-۶. دیدگاه امام خمینی درباره پیوستگی دین و سیاست

امام خمینی (رحمه الله علیه) به دین در عرصه بزرگ تری نگریسته و آن را فقط اخروی نمی داند. در مدل حکومتی امام، دین در عرصه اجتماع حاضر است و برای اداره کردن دنیای مردم برنامه دارد بر این اساس دین برای اداره امور مردم حاکمی منصوب می نماید که با استفاده از احکام حکومتی امور را پیش می برد (موسوی خمینی، ۱۳۴۹: ۶۸؛ لک زایی، ۱۳۹۴: ۲۹۸). امام در بیانات خود به صورت گسترده در این رابطه سخن گفته، ایشان فرموده اند: «به والله اسلام تمامش سیاست است اسلام را بد معرفی کرده اند... اسلام مکتبی است بر خلاف مکتب های غیر توحیدی، در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی و سیاسی دخالت دارد و از هیچ نکته ای فرو گذاری نکرده است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۶۵/۱۱). در روایتی از امام صادق (علیه السلام) در اصول کافی آمده که خداوند پیامبر اعظم را سیاستمدار کرد و سپس رسالت سیاستمداری و ساماندهی امور مسلمین را به او سپرد. روایت این چنین است: «خداوند پیامبرش را تربیت کرده و وقتی تربیت او کامل شد به او فرمود (انک علی خلق عظیم) سپس امر دین را به او واگذار کرد تا اداره امور دین و امت را بر عهده گیرد» (کلینی، ۱۴۲۱: ۲/۱). مفهوم بیان امام صادق (علیه السلام) این است که حکومت داری و اداره دین واجب از ارکان رسالت و ماموریت های پیامبر بوده است (سعیدی شاهرودی، ۱۳۹۷: ۲۱۵).

## نتیجه گیری

معنویت و سیاست در اسلام با یکدیگر مرتبط اند. معنویت اصل و هدف زندگی انسان از جمله سیاست است ممکن است پرسیده شود چگونه می توان از نقش حتمی معنویت که امری انسانی و ملازم با اختیار و اراده انسان هاست در پدیده دیگر سخن گفت؟ در پاسخ می گوییم معنویت همان رشد وجودی و کسب کمالات اضافی مطلوب ماست اما از آنجا که تنها راه دست یابی به این مطلوب، داشتن سیاست صحیح است که براساس حقایق اصیل طرح و برنامه ریزی شده باشد.

اهمیت این موضوع در این است در مکتب سیاسی اسلام معنویت با سیاست آمیخته شده است و این حقیقت در مکتب نبوت به ویژه مکتب امام الگو گرفته شده است پس اگر سیاست از معنویت سرچشمه می گیرد و از آن سیراب شده و برای مردمی

که با آن مواجه هستند وسیله ی کمال و راه بهشت است اما اگر جدا شد آن وقت سیاست ورزی وسیله ای برای کسب قدرت و ثروت می شود که این آفت است. دین و معنویت به عنوان مجموعه برنامه های الهی، سیاست را در رساندن انسان به کمال معنوی هدایت می کند. و باعث رشد و ترقی انسان در تمام ابعاد می شود.

ما در این مقاله به بررسی ارتباط بین معنویت و سیاست پرداختیم و گفتیم که معنویت بخشی از دین است و از دیدگاه علم سیاست مدرن، سیاست هیچ غایت متعالی یا التفاتی به خیر و صلاح ندارد بلکه فقط یک شیوه و هنر است. اسلام معتقد است که هیچ تضاد و درگیری ایی در سیاست و دین وجود ندارد بلکه همواره همراه هم هستند و اگر امور سیاسی با برنامه ریزی و هدایت صحیح در هماهنگی کامل با احتیاجات واقعی فرد و هدف اصلی جامعه باشد انسان را بیش از پیش به کمالات معنوی می رساند پس ما نتیجه می گیریم که دین اسلام در این امر خطیر سکوت نکرده است و با تجویز نمودن اصول و شیوه های هدایت کنش های جمعی در جهت مصالح جامعه (سیاست دینی) تکامل معنوی انسان را که جز در بستر جامعه فراهم نمی شود میسر می سازد.

## منابع و مأخذ

\* قرآن کریم.

\* نهج البلاغه.

کُتب فارسی

۱. آقا بخشی، علی، (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ دوم، قم، چاپار.
۲. جباران، محمدرضا، (۱۳۹۱)، درسنامه علم اخلاق، چاپ چهاردهم، قم، مرکز نشر هاجر.
۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۵)، بنیان مرصوص امام خمینی، چاپ سوم، قم، اسرا.
۴. رجالی تهرانی، علیرضا، (۱۳۸۹)، ولایت فقیه در عصر غیبت، چاپ دوم، قم، نبوغ.
۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۰)، لغت نامه دهخدا، ج ۱۶، چاپ ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. سعیدی شاهرودی، علی، (۱۳۹۷)، چهل موضوع در چهلمین سال انقلاب، چاپ سوم، قم، زمزم هدایت.
۷. سبحانی، جعفر، محمدرضایی، محمد، (۱۳۹۱)، اندیشه اسلامی ۲، چاپ سی و پنجم، قم، دفتر نشر معارف.
۸. سجادی، سیدجعفر، (۱۳۷۳)، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ سوم، تهران، کومش.
۹. شریعتی، علی، (بی تا)، تاریخ ادیان، چاپ دهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۰. شفیعی مازندرانی، سیدمحمد، (۱۳۹۵)، رهنمودهای جاودانه، چاپ سوم، قم، نشر هاجر.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمد حسین، (۱۳۶۷)، ترجمه تفسیر المیزان (مکارم شیرازی)، ج ۱۱، چاپ دوم، قم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.

۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، آموزش دین، چاپ ششم، قم، الجماعه المدرسین بقم.
  ۱۳. امید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۷۵)، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
  ۱۴. لک زایی، نجف، (۱۳۹۴)، تاریخ فرهنگی سیاسی ایران معاصر، چاپ پنجم، قم، نشرهاجر.
  ۱۵. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، صحیفه نور، چاپ دوم، قم، طبع ونشر.
  ۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۴۹)، ولایت فقیه، چاپ دوم، بیروت\_ لبنان، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
  ۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲)، چهل حدیث، چاپ سوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
  ۱۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۱)، سیری در نهج البلاغه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
  ۱۹. ولایی، عیسی، (۱۳۷۷)، مبانی سیاست در اسلام، چاپ سوم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فهرست کتب عربی
۲۰. ابن منظور، (بی تا)، لسان العرب، بیروت\_ لبنان، دارصادر.
  ۲۱. حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۴۱۴)، وسائل الشیعه (مصحح موسسه آل البیت)، قم، آل بیت.
  ۲۲. کلینی، محمدباقر، (۱۴۲۱)، اصول کافی، ج ۱، تهران، دفتر مطالعات تاریخ معارف اسلامی.
  ۲۳. نراقی، ملا احمد، (بی تا)، معراج السعاده، تهران، انتشارات رشیدی.
- فهرست مقالات
۲۴. برزگر، ابراهیم، بیرانوند، مسعود، (۱۳۹۴)، "نقش معنویت گرایی دینی بر سبک زندگی سیاسی"، فصلنامه علمی پژوهشی ره یافت، شماره ۳۲.
  ۲۵. پارسایی، نرگس، فغان نومی، فاطمه، کاردل، آتنا، (۱۳۹۵)، "ارتباط بین دین و سیاست در نهج البلاغه و کارکردهای آن"، نشریه حکمت، شماره ۲۸.
  ۲۶. دادخداپار، خداپار، رهدار، احمد، (۱۳۹۲)، "نسبت عرفان و سیاست، سیاست متعالیه"، شماره ۳.
  ۲۷. رودگر، محمدجواد، (۱۳۹۲)، "کارکردهای معنویت در عرصه های اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری، ادیان مذاهب و عرفان"، شماره ۱۰.
  ۲۸. فاضلی، قادر، (۱۳۷۸)، "سیاست و حکومت از دیدگاه محمدتقی جعفری در تفسیر نهج البلاغه"، نشریه وقف میراث جاودان، شماره ۲۵.
  ۲۹. مظفری، آیت، (۱۳۸۵)، "تئوری وحدت سیاست و معنویت در مکتب امام خمینی"، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۳.

۳۰. نوایی، علی اکبر، (۱۳۱۶)، "روش شناسی حرکت های سیاسی امامان معصوم"، نشریه اندیشه، شماره ۶.

۳۱. وحیدی منش، حمزه علی، (۱۳۹۶)، "ماهیت فلسفه ی سیاسی اسلامی"، معرفت سیاسی، شماره ۱۷.